

برخی از مبانی احتیاطات در کتابهای فقهی

رضا استادی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مقدس برای آسان شدن کار بندگان فرموده در مسافرت به جای چهار رکعت نماز دو رکعت بخوانید اینها می گویند احتیاطاً هم چهار رکعتی را بخوانید و هم دو رکعتی را.

به نظر اینجانب این طرز برخورد های ظاهر الصلاح ممکن است در اذهان افراد بی اطلاع یا کم اطلاع اثر سوء گذارده و آنان را به فقه و فقهای شیعه کم اعتقاد و بی اطمینان کند (زیرا از طرفی می بینند امام خمینی رضوان الله علیه و سایر مراجع تقلید در کتاب توضیح المسائل و غیره در دهها مسأله گفته اند: احتیاط واجب یا مستحب چنین است و از سوی دیگر می شنوند یکی از اهل فضل و اساتید می گوید: این احتیاطها بی جهت

در سمیناری که در یکی از مراکز علمی اصفهان بمناسبتی تشکیل شده بود، بحثی با عنوان: «تأثیر عنصر زمان و مکان در چگونگی حکم شرع» توسط یکی از اهل فضل حفظه الله تعالی مطرح گردید. این سخنرانی در عین اینکه شامل مطالب متین و صحیح و سودمند بود، متأسفانه حاوی مطالبی نیز بود که به هیچ وجه نمی توانست برای یک فقیه آشنا با مبانی، قابل قبول باشد و تأسف بارتر اینکه کیفیت بیان مطالب، فقهای عظام شیعه رضوان الله تعالی علیهم را زیر سوال می برد.

مثلاً از مطالبی که در این سخنرانی به صورت اعتراض عنوان شد بی وجه بودن احتیاطهای فقها در رساله های عملیه بود و از باب مثال گفته شد: شارع

و اگر مثلاً می‌گوید در هبه و مالی که به انسان می‌بخشند خمس واجب نیست، با دلیل و حجت می‌گوید، اما در عین حال که دلیل و حجت بر عدم وجوب دارد احتمال می‌دهد در واقع واجب باشد، زیرا دلیل مقطوع الحجیه بر عدم وجوب داشتن ملازم با قطعی بودن عدم وجوب نیست، از اینرو پس از فتوا و بیان عدم وجوبی که استنباط کرده می‌گوید: احتیاط مستحب این است که اگر چیزی را که به او می‌بخشند از مخارج سالش زیاد بیاید خمس آن را بدهد (مسأله ۱۷۵۳ توضیح المسائل امام خمینی چاپ بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی).

در این قبیل مسائل هم مقلد حتماً باید به فتوای مرجع تقلید خود و یا به احتیاطی که او مستحب دانسته است عمل کند و نمی‌تواند به مجتهد دیگری رجوع کند.

سوم: اینکه فقیه پس از رجوع به ادله و به کاربردن تمام سعی و کوشش خود بگوید: مثلاً احتیاط واجب آن است ذکر را که در رکوع می‌گوید: به قدر سه مرتبه سبحان الله یا یک مرتبه سبحان ربی العظیم و بحمده کمتر نباشد (مسأله ۱۰۲۸ توضیح المسائل امام خمینی)، معنای این عبارت این است که مجتهد نتوانسته از روایات و اصول عملیه به کفایت مطلق ذکر اطمینان پیدا کند.

از اینرو مقلدین خود را بین عمل به احتیاط و رجوع به مجتهد دیگر که از روایت یا اصل عملی، به کفایت مطلق ذکر اطمینان پیدا کرده، مخیر نموده است. درست مانند طبیعی که پس از سعی و کوشش نتوانسته به تشخیص خود اطمینان پیدا کند، به دیگری ارجاع می‌دهد و همانطور که این ارجاع دلیل تعهد و پای بند بودن او به اصول اخلاقی است، در مورد فقیه هم این احتیاط دلیل تعهد و تدین اوست که در موارد تردید فتوای جزمی نمی‌دهد.

چهارم: اینکه فقیه در اثر عدم مراجعه به ادله مسأله و یا عدم مراجعه کامل و کافی از فتوا دادن امتناع کرده و مقلدین خود را بین احتیاط کردن و رجوع به مجتهد

بندگان خدا را به زحمت می‌اندازد و چهره اسلام واقعی را دگرگون جلوه می‌دهد).

از اینرو وظیفه خود دانستم برای دفاع از فقه و فقهای شیعه، و حفظ اعتقاد و اطمینان مؤمنان، همین بحث را در یک مقاله در چند فراز پی‌گیری کرده تا نادرستی ادعای یاد شده روشن شود.

اقسام احتیاط

احتیاطهایی که در رساله‌های عملیه و کتابهای فقهی فقها و مراجع تقلید عنوان می‌شود چند گونه تصور دارد:

اول: اینکه فقیه بگوید: از مجموع ادله استفاده می‌شود که حکم خدا، در فلان مورد احتیاط کردن است، یعنی مجتهد فتوی دهد که مقلدش احتیاط کند و همین فتوای به احتیاط را مفاد ادله داند. این قسم از احتیاط است که مقلد حتماً باید به آن عمل کند و نمی‌تواند به مجتهد دیگری که این فتوی را ندارد رجوع کند.

مثلاً اگر در خبرین متعارضین متعادلین استنباط مجتهد غیر اعلم از اخبار باب تعادل و ترجیح این باشد که حکم خدا در این مورد تغییر است، و استنباط فقیه اعلم این باشد که حکم خدا احتیاط کردن است و بر این اساس فتوا به احتیاط دهد مقلد او نمی‌تواند در آن مسأله به مجتهد اول که فتوا به تخییر داده است رجوع کند. و شاید مقصود فقیه اهل بیت عصمت مرحوم آیه الله العظمی حاج سید احمد خوانساری از عبارت زیر این قبیل موارد باشد: «و اذا كان عدم الافتاء من جهة الخدشة والاشكال في المدرک وعدم تمامية المدارک عنده في المسألة فلا وجه للرجوع الى غير الاعلم لأن مدرک فتواه في المسألة مخدوش في نظر الاعلم فالمتعمین حينئذ الاحتیاط».

دوم: اینکه فقیه حکم مسأله را از ادله استنباط کرده

دیگر مخیر کرده است.

بخواند بنا بر احتیاط واجب باید هم شکسته و هم تمام بخواند. (مسأله ۱۳۱۸ توضیح المسائل امام خمینی ره)

مسافری که به وطنش بر می گردد وقتی دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان آن را بشنود باید نماز را تمام بخواند ولی مسافری که می خواهد ده روز در محلی بماند وقتی دیوار آنجا را ببیند و صدای اذان را بشنود بنا بر احتیاط واجب باید نماز را تاخیر بیاندازد تا به منزل برسد یا نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند (مسأله ۱۳۱۹ توضیح المسائل امام خمینی ره)

واضح است که مسافر باید نماز ظهر را دور کعت و غیر مسافر چهار رکعت بخواند و هر جا فقیه پس از دقت کافی نتوانست حتی با توجه به اصل استصحاب تشخیص دهد که نماز گزار مسافر است یا غیر مسافر، راهی جز این ندارد که بگوید احتیاطاً هم چهار رکعتی بخوانید هم دو رکعتی یا به مجتهد دیگری مراجعه کنید، زیرا این قبیل موارد جای اجراء پراشت نیست چون علم به تکلیف داریم و حکم عقل و شرع احتیاط است.

گاهی نویسنده یا گوینده در اثر غفلت یا عوامل دیگر خودش علیه خود دلیل اقامه می کند، مثلاً در سمیناری که برای تبیین برخی نظرات فقهی امام خمینی رضوان الله علیه مروج فقه جوهری بر پاشده تا با اقتداء به آن مرحوم رضوان الله علیه برخی از اشتباهات یا کمبودهایی که در بعضی از بحث های فقهی دیده می شود جبران کرده، در همین سمینار ناخود آگاه و غیر مستقیم، کیفیت استنباط و طرز ادای فتوای خود امام خمینی رضوان الله علیه مورد اعتراض شدید قرار می گیرد.

مسائلی که در بالا از توضیح المسائل امام خمینی رضوان الله علیه یاد شد مواردی است که امام بنا بر احتیاط واجب جمع بین نماز دو رکعتی و چهار رکعتی را لازم دانستند، آنگاه مبین نظرات امام همین مسأله

از کسانی که می گویند این احتیاطها پدر مردم را در آورده است باید پرسید کدام یک از این اقسام را می گویند، قسم اول که فتوا است نه احتیاط، و در بقیه اقسام هم که مردم را در احتیاط کردن مختار دانستند نه ملزم، و اگر کسی خودش مایل به احتیاط کردن باشد، بی انصافی است که به او اعتراض کنیم، زیرا احتیاط در عمل شرعاً و عقلاً نیکو و سزاوار است نه مستحق اعتراض و نکوهش، (این مطلب توضیح داده خواهد شد).

۲ فقیه در برخی موارد چاره ای جز احتیاط ندارد

اگر یک عادل خبر دهد که سفر انسان هشت فرسخ است بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و روزه بگیرد و قضای آن را هم بجا آورد (مسأله ۱۲۷۵ توضیح المسائل امام خمینی ره)

اگر در زمین غصبی مسافرت کند بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند (مسأله ۱۲۹۸ توضیح المسائل امام خمینی ره)

اگر برای کسب و زیاد کردن مال به شکار برود احتیاط واجب آن است که نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند. (مسأله ۱۳۰۱ توضیح المسائل امام خمینی ره)

اگر یکی از صحرا نشینان برای پیدا کردن منزل و چراگاه حیواناتشان سفر کند چنانچه سفر او هشت فرسخ باشد احتیاط واجب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند (مسأله ۱۳۰۵ توضیح المسائل امام خمینی ره)

کسی که به سفر می رود اگر به جایی برسد که اذان را نشوند ولی دیوار شهر را ببیند یا دیوارها را ببیند و صدای اذان را بشنود چنانچه بخواند در آنجا نماز

را بخصوص به باد انتقاد می‌گیرد و مدعی است که این احتیاطها خلاف نظر شارعی است که برای آسانی کار مردم گفته است مسافر به جای چهار رکعت دو رکعت بخواند.

فقط در مسائل کتاب طهارت و صلاة توضیح المسائل امام خمینی رضوان الله علیه (نه همه توضیح المسائل) بیش از صد مورد احتیاط واجب به چشم می‌خورد (نویسنده همه را یاد داشت کرده‌است) که خود حاکی از این است که احتیاط واجب مبنای فقهی دارد و هر کس این احتیاطها را بی وجه بداند باید به سبک استنباط امام خمینی هم اشکال داشته باشد!



احتیاط در عمل از نظر عقل و دین

احتیاط در مقام عمل یعنی هر جا که مکلف یقین به عدم وجوب کاری دارد اما نمی‌داند جایز است یا حرام، آن کار را احتیاطاً ترک نماید، مثلاً یقین ندارد گوش دادن به آوازهای دارای برخی ویژگیها واجب نیست که اگر گوش ندهد ترک واجب کرده باشد اما احتمال می‌دهد جایز باشد و احتمال می‌دهد از مصادیق غنا و حرام باشد احتیاطاً از گوش دادن به آن صدا خودداری می‌کند.

و یا هر جا یقین به عدم حرام بودن دارد اما نمی‌داند جایز است یا واجب، آن کار را احتیاطاً بجا می‌آورد، مثلاً یقین دارد غسل جمعه حرام نیست اما نمی‌داند که جائز (مستحب) است یا واجب، احتیاطاً آن را بجا می‌آورد. و یا جایی که وظیفه خود را طبق دستور ظاهری شرع انجام داده اما احتمال می‌دهد در واقع به وظیفه خود عمل نکرده باشد، باز احتیاط می‌کند تا یقین کند که وظیفه واقعی خود را نیز انجام داده‌است، مثلاً طبق فتوای مجتهد و مرجع تقلید خود روز جمعه در زمان غیبت امام زمان علیه السلام نماز جمعه می‌خواند و وظیفه ظاهری او هم فقط همین است اما در عین حال

احتمال می‌دهد که وظیفه واقعی او خواندن نماز ظهر باشد و نماز جمعه در زمان غیبت کافی نباشد، احتیاط می‌کند و نماز ظهر را هم پس از نماز جمعه می‌خواند.

و یا می‌داند که اگر مسافر باشد نماز او شکسته است اما در موردی که تشخیص مسافر و حاضر بودن برایش مشکل می‌شود احتیاطاً هم تمام و هم شکسته می‌خواند. این قبیل احتیاطها در مقام عمل به خصوص ترک کردن کارهای محتمل الحرمة، و بجا آوردن کارهای محتمل الوجوب از نظر عقل و عقلاً کاری است حسن و مستحسن و چنین بنده عبدی را که در مقام اطاعت مولا و آقايش می‌باشد بسیار ستایش می‌کنند و او را مستحق ثواب و تحسین می‌دانند.

از نظر قرآن و روایات، و بخصوص روایات، به احتیاط در مقام عمل بسیار سفارش و تأکید شده است و آن را به تعبیر مرسوم زمان ما موجب بیمه شدن انسان در مقابل گناه دانسته‌اند.

یعنی کسی که محتمل الحرمة را ترک کند و محتمل الوجوب را بجا آورد چنین شخصی خیلی بعید است گرفتار انجام حرام بین و ترک واجب بین بشود نمونه‌ای از روایات را ملاحظه فرمایید:

امام باقر علیه السلام: الوقوف عند الشبهة خیر من الاقتحام فی الهلکه (وسائل الشیعة ۱۱۲/۱۸).
خودداری کردن از کارهای مشتبه (که حرام بودن آن محتمل است) بهتر است از افتادن در هلاکت و هلاک شدن به ارتکاب حرام واقعی.

رسول الله صلی الله علیه و آله: حلال بین و حرام بین و شبهات بین ذلک فمن ترک الشبهات نجاً من المحرمات ومن اخذ بالشبهات ارتکب المحرمات و هلك من حیث لا یعلم (کافی ۶۷/۱)

کارها بر سه قسم است حلال معلوم، حرام معلوم، کارهای مشتبه، پس کسی که کارهای مشتبه را ترک کند از حرامهای معلوم نجات پیدا می‌کند ولی کسی که کارهای مشتبه را انجام می‌دهد (خواه و ناخواه) گرفتار

کارهای حرام هم می‌شود و بطور ناخود آگاه هلاک می‌گردد.
 علی علیه السلام: لا ورع کالتوقف عند الشبهه (نهج البلاغه/خطبه ۸۷)

بالاترین مرتبه ورع ترک کارهای محتمل الحرمة است.
 علی علیه السلام: حلال بین و حرام بین و شبهات بین ذلک فمن ترک ما اشتهه علیه من الاثم فهو لما استبان له اترک والمعاصی حمی الله فمن يرتع حولها یوشک ان یدخلها (من لایحضره الفقیه ۵۳/۴).

و یا در مسأله ۲۴۳۳ توضیح المسائل امام رضوان الله علیه می‌خوانیم: «نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دستهای او اگر به قصد لذت باشد حرام است بلکه احتیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم نگاه نکنند».

کارها سه قسم است حلال روشن، حرام روشن و کارهای مشتبه، پس کسی که کاری را که احتمال می‌دهد گناه باشد ترک می‌کند چنین شخصی گناه معلوم را بهتر ترک می‌کند، گناهان قرق‌گاه الهی (منطقه ممنوع ورود) است هر کس پیرامون آن بگردد به داخل شدن در آن نزدیک می‌شود و ترس آن هست که گرفتار گناه شود.

آیا اگر کسی احتیاط کرد و حتی از نگاه بدون قصد لذت هم خود داری کرد باید او را ستایش کنیم یا نکوهش؟ و آیا در این قبیل موارد حفظ دین و پاکدامنی افراد به این تأمین می‌شود که اهل احتیاط باشند یا به اینکه بگوییم شارع کار آنها را آسان کرده شما مشکل نکنید؟

کوتاه سخن اینکه احتیاط در مقام عمل به حکم عقل و شرع مستحسن و موجب رسیدن به کمالات نفسانی، و در واقع اقتدا و پیروی از اولیای خدا است که همواره علاوه بر ترک گناه از کارهای شبهه ناک هم اجتناب می‌کردند. و اگر جامعه ما روزی به آنجا برسد که بتوانیم بگوییم اهل احتیاط هستند این بزرگترین افتخار یک جامعه اسلامی است.

امام صادق (ع): اورع الناس من وقف عند الشبهه (وسائل ۱۱۸/۱۸)
 با ورع‌ترین مردم کسی است که از انجام کارهای محتمل الحرمة اجتناب کند.

واضح است که این قبیل روایات نبوی و علوی و صادقین علیهم السلام همگان را به احتیاط در عمل می‌خواند و احتیاط را از بزرگترین ارزشها به حساب می‌آورد (و اگر ترک محتمل الوجوب را محتمل الحرمة بشمار آوریم تمام این روایات هر دو نوع شبهه را شامل می‌شود).

احتیاط در دین

با این وصف چقدر شگفت‌آور است اگر بشنویم کسی احتیاط در مقام عمل را زیر سؤال برده و مردم را به عدم احتیاط دعوت کند، مثلاً امام خمینی رضوان الله علیه فرموده: بودن مرد و زن نامحرم در جای خلوت مکروه است و احتیاط شدید در ترک آن است (مسأله ۸۸۹ توضیح المسائل) حال اگر زن یا مرد مسلمان حزب‌اللهی این کار را که جایز و مکروه دانستند

در جوامع حدیثی ما روایاتی هست که دلالت می‌کند بر اینکه در تمام مطالب مربوط به دین احتیاط خوب است و یا به تعبیر دیگر دین را باید با احتیاط کردن از گزند حوادث حفظ کرد.

بنابراین ما هم هر چه بتوانیم باید هم خود اهل احتیاط باشیم و هم مردم را به احتیاط دعوت کنیم، و از این راه دین خود و آنان را بیمه کنیم. فقط تنها موردی که ممکن است بگوییم احتیاط از نظر شرع مطلوب نیست و به خاطر برخی مصالح اهم، و نیز به جهت لوازم سوئی که احتمالاً به دنبال این احتیاط پیش می‌آید شارع حکیم احتیاط را در همه مواردش نخواست، مسأله طهارت و نجاست است. مرحوم آقاسید محمد کاسظم یزدی طباطبائی در عروة الوثقی فرماید:

طریق ثبوت النجاسة او الستنجس العلم الوجدانی او البينة العادلة وفي كفاية العدل الواحد اشكال فلا يترك مراعات الاحتیاط و تثبیت ایضا بقول صاحب الید بملک او اجاره و اعارة او امانة بل او غصب ولا اعتبار بمطلق الظن وان كان قویاً فالدهن واللبن والجبن المأخوذ من اهل البوادی محکوم بالطهارة وان حصل الظن بنجاسته بل قد يقال بعدم رجحان الاحتیاط بالاجتناب عنها بل قد یکره او یحرم اذا كان فی معرض حصول الوسواس.

○ قاعده احتیاط یکی از مأخذ فتوا

برای استنباط هر حکمی از احکام شرع مقدس در مرحله اولی باید به کتاب و سنت رجوع شود و حکم خدا از آنها استنباط گردد، اما هر جا که آیه قرآن نبود و دید دلالته روشن بر حکم نداشت و همچنین روایت نبود و دید از حدیث سند و یا دلالته و یا تقیه بودن و نبودن و وضعیت روشن و اطمینان بخش نشد و نیز اجماع و یا شهرتی که بتواند حاکی از سنت باشد نبود و همچنین بناء عقلاً بضمیمه امضاء و تقریر و عدم ردع معصومین نداشتیم، چنین موردی در مرحله دوم نوبت به مراجعه به اصول عملیه می‌رسد، زیرا قانون کلی این است: الاصل دلیل حدیث لادلیل یعنی هر جا کتاب و سنت مستقیم پاسخگوی سؤال فقهی ما نبود در آنجا اصل عمل پاسخگو خواهد بود.

رسول الله صلی الله علیه و آله : من اتقى الشبهات فقد استبرأ لدينه (وسائل الشیعه ۱۲۷/۱۸).
هر کس از شبهات پرهیز کند دین خود را پاک نگاه داشته است.

رسول الله (ص): دع ما یریبک الی ما لا یریبک فانک لن تجد فقد شیء ترکتہ لله عز وجل (وسائل ۱۲۴/۱۸).
به طور کلی از کارهای مشکوک صرف نظر کن زیرا چیزی را که برای رضای خدا ترک کنی نبود آن را احساس نخواهی کرد.

علی علیه السلام: اخسوک دینک فاحتط لدینک (امالی شیخ طوسی ۶۸).
دین تو برادر تو است پس برای دینت (همانطور که برای برادرت احتیاط می‌کنی که به او صدمه‌ای نرسد) احتیاط کن.

امام صادق علیه السلام: لک ان تنظر الحزم وتأخذ بالحائطة لدینک (جامع احادیث الشیعه ۹۰/۱۱ چاپ رحلی).
در این روایت نیز احتیاط در دین مطرح است.

از یکی از معصومین: لیس بسناکب عن الصراط من سلک سبیل الاحتیاط (جامع الاحادیث ۹۰/۱۱).
کسی که راه احتیاط را بپیماید از صراط مستقیم منحرف نخواهد شد یا منحرف نیست.
امام صادق علیه السلام: خذ بالاحتیاط فی جمیع ما تجد الیه سبیلاً (بحار ۲۶۰/۲، میزان الحکمه ۵۴۸/۲).

تا آنجا که راه به احتیاط داری احتیاط کن.
امام کاسظم علیه السلام در پاسخ کسی که وقت نماز مغرب و افطار کردن در ماه مبارک رمضان را پرسیده بود فرمود:
اری لک ان تستنظر حتی تذهب الحمرة وتأخذ بالحائطة لدینک (وسائل ۱۲۲/۱۸) به نقل از تهذیب شیخ طوسی)
صبر کن تا حمره مشرقیه برود و برای دینت احتیاط کن.

بزاقت تمسک کنند و احتیاط نکنند در عین حال احتیاط کرده و تمسک به اصل برائت «لا اقل در مقام ابراز نظر و فتوا» نکرده‌اند و این خود یکی از شواهد تعهد و تدین آنها است که در بحث بعد توضیح داده می‌شود.

۶ احتیاط در فتوا دادن

اینکه در برخی از اخبار غیبیه ملاحظه آمده است: زمانی بیاید که معروف، منکر بشمار آید، یکی از مصادیقش همین احتیاط در فتوا دادن است، زیرا در طول تاریخ فقه ما همواره فقهای بزرگوار و پاسداران اصلی مذهب تشیع و اسلام به پیروی از گفتار سراسر نور رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام یکدیگر را به احتیاط در فتوا سفارش می‌کردند و امروز دیده می‌شود که برخی از افراد این معروف را از منکرات می‌شمارند. مرحوم حاج ملا احمد نراقی، صاحب کتاب مستند الشیعه که از بهترین کتابهای فقهی استدلالی ما است در پایان اجازه نامه خود به برادرش مرحوم آقا کوچک «مؤلف شرح ارشاد علامه و مستوفای ۱۲۶۸» می‌نویسد: و اشترط علیه ایده‌الله ما اشترط علی مشایخی من التثبت والاحتیاط فی الفتوی والعمل لیطمئن من الوقوع فی مهاوی العثره و الزلل (قاموس الرجال، ج ۱۱)

و نیز در اجازه نامه شیخ بزرگوار انصاری می‌نویسد: و اشترط علیه ایده الله بتأییده ما اشترط علی مشایخی العظام من التثبت فی القول والعمل لیطمئن من الوقوع فی مهاوی العثره و الزلل و سلوک سبیل الاحتیاط المنجی عند المرور علی الصراط وان لاینسانی من الدعاء عند الخلوات. (زندگانی شیخ انصاری/ ۱۲۹).

مرحوم شیخ کاظم شیرازی از شاگردان میرزا محمد تقی شیرازی (مسیر زای دوم) در اجازه نامه بانوی

اصول عملیه عبارت است از چهار اصل: استصحاب (که هر جامورد استصحاب باشد نوبت به سه اصل دیگر نمی‌رسد) برائت، احتیاط و تخییر.

در دوران امر بین محذورین جای تخییر است، مانند اینکه کسی یقین به تکلیف داشته باشد ولی نداند که تکلیف او انجام دادن فلان عمل است در زمانی مخصوص، و یا انجام ندادن آن در همان زمان، در اینجا اصطلاحاً گفته می‌شود دوران امر بین محذورین است و مکلف مخیر بین انجام دادن و انجام ندادن آن است، زیرا احتیاط در این مورد امکان ندارد.

در شک در تکلیف جای برائت است مثلاً کسی که شک دارد اقامه برای نماز واجب است یا نه با تمسک به اصل برائت می‌گوید واجب نیست و کسی که شک دارد نماز اول ماه واجب است یا نه با استفاده از اصل برائت فتوا می‌دهد واجب نیست.

در شک در مکلف به، با علم به اصل تکلیف و امکان احتیاط، جای احتیاط است مانند اینکه کسی می‌داند مکلف به خواندن نماز ظهر است یعنی به اصل یعنی به اصل تکلیف علم دارد، اما در شرایطی قرار گرفته است که نمی‌تواند تشخیص دهد مسافر است یا حاضر، پس در مکلف به، که نماز چهار رکعتی است یاد و رکعتی شک دارد و احتیاط هم ممکن است (یعنی دوران امر بین محذورین نیست) در این صورت با تمسک به اصل احتیاط فتوا می‌دهد که احتیاطاً هر دو نماز را بخوانید و اگر مورد ابتلای خودش باشد هر دو نماز را احتیاطاً می‌خواند.

بنابراین احتیاط به حکم عقل و یا به حکم عقل و شرع هر دو، در برخی موارد مدرک فتوا و حکم به لزوم احتیاط است و اگر فقیهی بخواهد به طور کلی از احتیاط پرهیز کند و هیچ جا از احتیاط واجب یادی نکند در فقیه بودن او شک می‌شود، مانند اینکه بخواهد از استصحاب یا برائت استفاده نکند.

البته یادآوری این نکته خوب است که در بسیاری از موارد فقهای ما با اینکه ظاهراً می‌توانستند به اصل

و در روایتی که به خط شهید اول سلام الله علیه دیده شده چنین آمده: عن ابی عبدالله علیه السلام: خذ بالاحتیاط فی جمیع امورک ماتجد الیه سبیلاً واهرب من الفتیا هر یک من الاسد... تا آنجا که راه داری در همه امور احتیاط کن و از فتوا دادن فرار کن و بترس همانطور که از شیر درنده فرار می کنی و می ترسی. (وسائل/۱۸/۱۲۷)

و از اینرو است که یکی از علمای بزرگ ما که همگان به پاکی و قداست او گواهی داده اند یعنی ابن طاووس صاحب کتاب اقبال می گوید من در دایره فتوی دادن وارد نشدم از ترس اینکه مبدا حکم خدایا ناخواسته اشتباه بیان کنم و از مصادیق آیه شریفه ولو تقول علین بعض الاقوال یردکم (اجازات) بچار، ص ۱۸، چاپ سنگی).

بنابر این شدت تعهد و تدین فقیه اورا و ادار می کنند که در بسیاری از موارد با اینکه می تواند اصل برائت جاری کند و بگوید جایز است، حلال است، حرام نیست و واجب نیست، در عین حال احتیاط کند، البته گاهی احتیاط واجب و گاهی احتیاط مستحب و هر کدام این دو، ملاک دارد و بی وجه و جزاف نیست و مسائلی که به خاطر عدم مراجعه به مدارک آن احتیاط واجب کرده باشند بسیار باید اندک باشد و همواره پس رجوع به مدارک فتوا می دهند و یا احتیاط می کنند

فرض کنید کسی در مسأله طهارت یا نجاست اه کتاب به طور مبسوط و کامل بحث کرد و به این نتیجه رسید که جمع بین روایات مسأله نتیجه می دهد که اه کتاب ذاتاً پاکند و اگر گفته شده از آنها اجتناب کنید خاطر نجاست عرضی است که مثلاً شراب می خوردند گوشت خوک استفاده می کنند و خلاصه از نجاست پرهیز ندارند، اما در عین حال می بیند فتوای قده فقهای شیعه به نجاست است، اگر در مقام فتوی احتیاط کند کار صحیحی کرده است یا باید اورا مذمت کنید تصادفاً در پایان رساله ای که به نام «طهارة الکت» فی فتوی السید الحکیم» نوشته شده (نویسنده) مخاطب اصلی مقال ما است) خود نویسنده می گوید

اصفهانى صاحب کتاب اربعین هاشمیه می نویسد: فلها العمل بما استنبطها من الاحکام... وعلیها بالاجتهاد وسلوک طریق الاحتیاط... (علمای معاصرین/۳۱۴).

مرحوم علامه مجلسی در بخشی از اجازات خود برای شاگردانش می نویسد: واخذت علیه ما اخذ علی من ملازمة التقوی وسلوک سبیل الاحتیاط فی النقل والعمل والفتوی.

و یا می نویسد: اوصیه بما اوصیت به من ملازمة التقوی ورعاية الاحتیاط التام فی النقل والفتوی فان المفتی علی شغیر جهنم.

و یا می نویسد: واخذ علیه ما اخذ علی من ملازمة التقوی ورعاية نهاية الاحتیاط فی النقل والفتوی.

و یا می نویسد: و اوصیه بما اوصیت به من ملازمة تقوی الله سبحانه فی جمیع الاحوال والازمان ودوام مراقبتة فی السر والاعلان وسلوک مسلک الاحتیاط فی جمیع الامور لاسیما فی النقل والفتوی. (به کتاب اجازات علامه مجلسی مراجعه شود).

مرحوم فاضل هندی مؤلف کتاب گرانقدر کشف اللثام در پایان همین کتاب می نویسد: ووصیتی الی علماء الدین واخوانی المجتهدين... اذا ثبت لهم السواء وقصدوا للافتاء لم یقطعوا فی الاخلاقیات بجواب وان ظنوا الصواب ولیس لنا الا الاحتیاط فی الدین ومجانبة المجازفة والتخمین (عبارت ایشان را مختصر کردیم). ملا محمد تقی مجلسی در پایان اجازة یکی از شاگردانش می نویسد. مراعیاً للاحتیاط فی النقل والفتوی. (بحار/۱۰۷/۸۴۱).

استاد ملا عبدالله تستری در پایان اجازة نامه او می نویسد: مأخوذاً ما اخذه الله علی من ملازمة التقوی والاحتیاط فی الفتوی ومراقبتة علی الوجه الذی یرجى (بحار/۱۰۶/۹۳).

شهید ثانی رضوان الله علیه در اجازة پدر شیخ بهایی می نویسد: واخذ علیه فی ذلك بما اخذ علی من العهد بملازمة تقوی الله سبحانه فیما یأتی ویذر ودوام مراقبتة والأخذ بالاحتیاط التام فی جمیع اموره خصوصاً فی الفتیا فان المفتی علی شغیر جهنم. (بحار/۱۰۵/۱۷۰).

و شریعت سهل را به یک مجموعه صعب و دشوار مبدل می‌سازد، و احیاناً در یک جامعه دینی مانند جامعه ما که می‌خواهد حتی در اداره کشور و مملکت دقیقاً به احکام شرع پای‌بند باشد برای مدیران مملکت و در نتیجه برای عامه ملت مشکلاتی پیش می‌آورد.

در پاسخ این گفتار به چند مطلب باید توجه داشته باشیم:

اول: احتیاط واجب معنایش الزام به عمل نیست بلکه همانطور که قبلاً اشاره شد معنی احتیاط مخیر بودن بین عمل کردن و یا به مجتهد دیگر مراجعه کردن است، بنابراین اگر مرجع تقلید می‌گوید احتیاط واجب آن است که زنها صورت خود را هم بپوشانند و شما می‌گویید این احتیاط برای خانمها آن هم در زمان حاضر و شرایط خاص آن مشکل می‌آفریند، چاره این مشکل این است که به مجتهد دیگر که پس از مرجع تقلیدشان از همه اعلم است و مثلاً فتوا به عدم وجوب پوشاندن صورت می‌دهد رجوع کنند مگر اینکه همه مجتهدین جامع‌الشرائط این احتیاط را داشته باشند که در این صورت مانند فتوای به لزوم پوشاندن است و باید به آن عمل شود و سؤال از اینکه اگر فتوا (نه احتیاط) مشکل آفرین شد چاره چیست، بحث جدایی لازم دارد.

دوم: احتیاطهای مجتهدین ممکن است گاهی مشکل یا مشکلاتی برای مردم و جامعه تولید کند اما این مطلب همه جانبدار نیست مثلاً در مسائل مناسک حج از روزی که مناسک شیخ انصاری مبنی بر احتیاط نوشته شده تقریباً تمام مراجع تقلید همان سبک را پیش گرفته و رساله‌های مناسکشان کم و بیش مبنی بر احتیاط است و در طول این صد و پنجاه سال که حجاج شیعه به این سبک عمل می‌کنند چه مشکلی برایشان پیش آمده است، بله در مورد کشتارگاه، و نماز پشت مقام ابراهیم، و سعی بین صفا و مروه در طبقه دوم و از این قبیل مسائل به خاطر کثرت جمعیت حجاج مشکلاتی داریم که این مشکلات را مراجع تقلید حل کرده و در هیچ

یادآوری: آنچه در این کتاب آمده (یعنی طهارت ذاتی اهل کتاب) طبق قواعد فقهی است اما احتیاط در مقام فتوا به خاطر این است که نباید بافتوای مشهور مخالفت کرد و احتیاط راه نجات است.

«ان ما جاء فی هذا الجزء من طهارة الكتابي الذاتية انما هو على ضوء القواعد العلمية الفقهية واما الاحتیاط فی مقام الفتوی لمن یقول به فلأجل ان فی مخالفة الشهرة جراً و الاحتیاط طریق النجاة».

آری اگر جوسازی نباشد و تحت تأثیر القاعات برخی از افراد بی‌اطلاع یا مغرض و یا به عقیده خودشان دلسوز اسلام قرار نگیریم باید امروز هم مانند بیست سال قبل که آن رساله نوشته شده و مانند صدسال قبل و سیصد سال قبل و هزار سال قبل باز ترسیم و با جرات و اطمینان بگوییم احتیاط ارزش است و هر فقهی که بنا بر بی‌احتیاطی بگذارد باید زیر سؤال برود.

و از همین روست که امام امت رضوان الله علیه با کمال استقلالی که در رأی‌ها و نظرات فقهی خود دارند باز در سراسر کتاب تحریر الوسیله دست از احتیاط، چه واجب و چه مستحب بر نمی‌دارند و به ما یاد می‌دهند که فقه جعفری و فقه سنتی و فقه جواهری سبکش همین است و نباید از آن منحرف و منصرف شویم.

اکنون نوبت این بحث می‌رسد که شاید در برخی موارد احتیاط در فتوا مشکلاتی تولید کند، آنجا چه باید کرد و یک مرجع تقلید، حاکم شرع و مستصدی منصب ولایت فقیه در این قبیل موارد چه وظایفهای دارد.

احتیاط و مشقت و حرج

گاهی تصور می‌شود یا گفته می‌شود که این احتیاطهای مراجع تقلید موجب زحمت مردم شده،

موردی مردم را به حرج و مشقت غیر قابل تحمل نهنداخته‌اند.

سوم: بسیاری از احتیاط واجبها به مرور زمان و پیشرفت بحثهای فقهی به فتوا و یا احتیاط مستحب مبدل شده ولی مفترضین همان مسائل را باز به رخ کشیده و شاهد گفتار خود می‌آورند مثلاً یک زمانی گفته می‌شد که احتیاط این است که صیغه معاملات به عربی خوانده شود و یا در رساله‌ها می‌نوشتند احتیاط واجب آن است که صیغه ازدواج را بخصوص عربی بخوانند و اگر زوجین عربی نمی‌دانند و کیل بگیرند اما امروز که در رساله‌ها فتوای صریح داریم که در تمام معاملات صیغه به زبان غیر عربی صحیح است و حتی در ازدواج هم در صورتی که زن و مرد عربی ندانند می‌توانند صیغه را مثلاً به فارسی بخوانند آیا وجهی دارد که باز همین مسأله را به عنوان ایجاد کننده اشکال مطرح کرده و به آن بتازیم.

چهارم: اکنون که مملکت و جامعه پنجاه و شصت ملیونی ما زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شود انصاف دهید کدام یک از مشکلات مملکت به خاطر احتیاط واجبهایی مثلاً امام خمینی رضوان الله علیه است چرا بی‌جهت شعار می‌دهیم آیا مشکل امروز زنهای جامعه ما این است که مثلاً گفته شده احتیاط واجب آن است که حتی دستهای خود را هم بپوشانند آیا مشکلی که با یک جفت دستکش حل می‌شود مشکل مملکت است؟ خیر، مشکل این است که بسیاری از خانمها و دختران ماتحت تأثیر فرهنگ غرب و عادات و رسوم آنان که دشمن دیرینه ما هستند می‌باشند و ماباید این فرهنگ را به خواست خدا از بین ببریم نه اینکه فکر کنیم اگر بگوییم پوشاندن دست و صورت لازم نیست (که گفتیم) مشکلمان حل می‌شود.

حمله به فقها برای اهداف دیگر



در پایان مقال مخاطب خود را عوض کرده (زیرا آن گوینده محترم به هیچ وجه این قصدی را که خواهی گفت نداشته است) و با افرادی که گهگاه به فقه کیفیت استنباط و فقه‌های عظیم الشان شیعه احتیاط‌های آنها خرده می‌گیرند و اعتراض می‌کنند ناصحانه چند جمله‌ای صحبت می‌کنیم:

ما از مجموعه گفتارها و نوشتارهای این افراد به این نتیجه رسیدیم که هدف اینان تجویز و رواج یک سرزن کارهایی است که به نظر خودشان کارهای جائزی است و اصلاً تعهدی به فتاوی مراجع تقلید دامت برکاتهن ندارند برای هر مطلب می‌گردند فقیهی را پیدا کنند چه از گذشتگان و چه از موجودین که با آنها همانند باشد و حرف او را تکرار کرده و آن را اسلام واقع می‌نامند اما معارض می‌کنیم فرق است. بین اینکه درباره مسائل مجسمه سازی و خرید و فروش آن و نپذیرفتن آن بحت‌های فقهی توسط فقها و متخصص این فن عنوان شود تا اگر مجسمه سازی امروز با دیر موضوعاً دوتا است دو حکم داشته باشد و اگر یکی از بازم مانند دیروز حرام باشد فرق است بین این طریقه برخورد، با اینکه یک طیف حلال بودن و جائز بودن را مسلم بگیرند و فقط و فقط دنبال تأیید این جملات باشند.

اینکه بگوییم لازم است مسائل مستحدثه و جدید دقیقاً با توجه به مطالبی که کارشناسان مربوط می‌گویند مورد بحث قرار گیرد با اینکه از آغاز فتور خود را صادر کرده و منتظر تأیید آن فتوا توسط فقیه باشیم خیلی باهم تفاوت دارد.

اینکه در محیطی مانند محیط خودمان به فکر بانها که از چه راهی بهتر می‌توان به پوشیده بودن زنهای

اسلام را وارونه جلوه می‌دهند زیرا اسلام مروج هنراست اسلام زیبایی‌ها را ترویج می‌کند این دو منطق باهم فرق دارد.

متدین و انقلابی کسی است که اگر خود متخصص نیست در این بحثها دخالت نکرده اگر می‌تواند زمینه این بحث را برای فقها فراهم سازد، و متخصص و فقیه متدین و انقلابی نیز کسی است که اولاً به هیچ نحو به بزرگان و فقها و پاسداران هزار ساله دین مقدس اسلام و مکتب تشیع اسائه ادب روا ندارد و ثانیاً در بحثها همانطور که خود را صاحب نظر می‌داند به نظر دیگران هم احترام بگذارد و به جای بحث با صاحب نظر دیگر، بحثهای اختلافی را در محافل عمومی و در حضور عامه و عوام یک طرفه مطرح نسازد و ثالثاً اگر چنین کاری را کرد تصریح کند که این هم یک نظر است و مردم باید در مسائل شرعی تابع مراجع تقلیدشان بوده و در مسائل مربوط به کل نظام و مملکت پیرو ولی فقیه و رهبرشان باشند.

همان معنایی که اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله خواسته کمک کرد و در این مسیر مثلاً سیمنارهایی برپا کنیم با اینکه از آغاز پوششی مانند چادر را که لا اقل یکی از بهترین پوششها برای خانمها است به خاطر اینکه قبل از اسلام هم بوده غیر اسلامی جلوه دهیم و به فکر باشیم که همه چادرها هم چادر را کنار بگذارند. و همانطور که می‌بینیم چه بخوایم و چه نخواهیم از لباسهای کاملاً مهیج شهوت استفاده کنند بسیار باهم فرق دارد.

اینکه به بحث بنشینیم که چه نحو موسیقی مطرب و حرام است و چه قسم آن غیر مطرب و جائز، یا بحثهایی کاملاً فقهی و مبتنی بر مدارک و مآخذ در مورد اینکه حرمت غنا با محتوای آن هم مربوط است و یا فقط مربوط به کیفیت آواز می‌باشد داشته باشیم با اینکه خدای نخواسته بگوییم کجی گفته است حرام است و اینها این حرمتها را از قوطی کدام عطار در آورده‌اند، و اینها

قابل توجه اندیشوران گرامی

دوره پنج‌ساله تجلید شده کیهان اندیشه از شماره ۱-۳۰ با بهای ۹۲۰۰ ریال در پنج جلد منتشر شد، علاقمندان می‌توانند این مجموعه را از کتابفروشی‌های معتبر تهیه کنند و یا با آدرس ذیل مکاتبه فرمایند:

تهران- خیابان انقلاب- روبروی پارک دانشجو- کوچه نوشیروان- پلاک ۱۰- سازمان انتشارات کیهان. تلفن

۶۴۰۳۴۱۵-۶۴۰۸۴۶۶